



روزگار گدازان و غفلت  
بهرت از دست ندهد

دانشیار دانشسرای عالی

## همه آرزومندند که به حرفهایشان گوش بدهند .

پدر بزرگها مادر بزرگهای  
امروزی کمتر از قدیمی ها  
معتقدند که باید بهر نحو که شده به  
جوانان درس اخلاق بدهند .  
آنان بخوبی تشخیص میدهند  
جوان هر قدر هم که افراطی و  
زیاده رو باشد به موقع عقیده  
خود را اصلاح خواهد کرد و  
مانند والدین خود موضوعاتی  
را که اکنون شاید جز بوالهوسی  
چیزی نباشد جدی تلقی خواهد  
کرد جوانان فقط گوش میدهند، نه  
با نظر تحقیر و نه با نظر تحسین  
آنان قدرت آزادی بخش کلام را  
بخوبی تشخیص میدهند و تأثیر  
کامل و محبت آمیز آنرا بر روی  
شنونده درک و حس میکنند .  
لازم است که پدر بزرگها و  
مادر بزرگها برای تعدیل مشکلات  
خانوادگی از تکرار بعضی  
مطالب که اعضای خانواده را بر  
علیه یکدیگر تحریک کند اجتناب  
ورزند و نیایستی برای جلب  
محبت و لطف جوانان آتش  
اختلاف را بین آنان و والدینشان



علیرغم ممانعت های مادر برای بازگردن تلویزیون جز در ساعت مقرر ، مادر بزرگی از غیبت دخترش استفاده و تلویزیون را بازکرد ، در نتیجه بچه ها همگی از تخت خوابهاشان بیرون آمدند و نظم زندگی را بهم زدند . در این موارد پدر بزرگها و مادر بزرگها حوادث ناهنجاری میسازند و حضور آنان پدران و مادران را بیاد دوران کودکی خود و اشتباهاتی که مرتکب شده اند میاندازد. آنان بکودکان میآموزند ( شاید ناخود آگاه و بارفتار خود ) که زندگی را جدی تصور نکنند «همه چیز خودش درست میشود دلیل ندارد که غیر از این باشد.» این نظریه پدر بزرگ فیلسوف منس و بازنشسته است .

برای بچه ها مدت زمانی لازم است تا پدر بزرگ و مادر بزرگ را از پدر و مادرشان فرق بگذارند. وقتی آنها بدانند که پدر و مادرشان پدر کوچک و مادر کوچک میباشند خیلی تحت تأثیر قرار میگیرند ، سؤالات مختلف میکنند، بدیدن عکس های قدیمی آنان علاقه نشان میدهند چقدر خنده دار و جالب است دیدن عکس پدر بزرگ شیر خواره که با پیراهن روبان دوزی شده روی بالش نشسته است، ولی بچه ها هم ناقدر که دوست دارند خود را باین خاطرات مشغول کنند بهمان اندازه هم مدتی طولانی این خاطرات را حفظ نمیکنند و همه در تاریکی زمان فراموش میشوند.

## تصویر پدر بزرگها و مادر بزرگها

غالباً تصویر زمانهای گذشته پدر بزرگها و مادر بزرگها در ذهن کودکان باقی میماند و بعضی ها چهره مادر بزرگ را با گیسوان سفید و پدر بزرگ را در صندلی راحتیش در خاطر خود ضبط کرده اند و اسمر تصاویری شبیه آنان با فاصله زمانی کمتر و قدرت بیشتر در مخیله کودکان قرار بگیرد آیا ممکن است جای آن تصاویر را بگیرند ؟

این همان است که پدر بزرگ و مادر بزرگ امر و زمی میخواهند در ذهن کودکان حک نمایند چه نسل امروزی بدون شک قادر نخواهد بود این کلیشه های قدیمی را بطور صریح و دقیق در ذهن خود تعریف و نگاهداری کند. از طرفی پدر بزرگها و مادر بزرگهایی هم هستند که نمیتوانند آفتور که باید خودشان را با زمان تطبیق دهند « عناصر پیشرو برای هزاره آینده فعالیت خواهند کرد » .

جوانان بایستی به پدر بزرگها و مادر بزرگهای فعال امروزی و سال ۲۰۰۰ که ممکن است همه باهم وجود داشته باشند بیندیشند. زندگی از نظر نسل فعلی بمنزله « اسم شب » تلقی میگردد ، پس لازم است که هر فردی امکان « خودش » بودن را برای خود فراهم سازد و بجای آنکه در قالبهای ساخته و آماده شده زمان گذشته محبوس گردد بتواند بطور موجه و شایسته « خودش »

را توجیه کند و خود را آنچنان بسازد که بتواند گذشته هایی جاودانی و احترام آمیز داشته باشد و در قلمرو پیری زندگی دلچسب و مورد توجه و محبت سایرین را برای خودش فراهم سازد .

بعضی از جوانان بوجود آنان افتخار می کنند .

هنوز بسیاری از پدر بزرگها و مادر بزرگها هستند که فعالیت و نشاط خود را حفظ کرده اند و باصطلاح از گردونه خارج نشده اند، مثلاً در قلمرو موزیک، نقاشی و امثالهم فعالیتهای قابل ملاحظه ای دارند .

بسیاری دوستدار موزیک جاز هستند ، فوتبال بازی میکنند و باکمال میل ورغبت با نوادگان خود به تماشای تئاترها و رقص های مدرن میروند. گاهی آنان با زحمت زیاد میتوانند حتی به خودشان بقبولانند که پدر بزرگ و مادر بزرگ شده اند . شاید بتوان اینطور توجیه کرد که آنان ناخود آگاه انتظار داشتند تا پدر بزرگ و مادر بزرگ بودن بنوبه خود برایشان مشکلی بوجود نیآورد ، حال آنکه این امر در وجود آنان احساسی نامعلوم از آینده ای مسدود و ناراحت بوجود آورده که باکمال بی صبری نسبت به آن نگرانند .

فعالیت پدر بزرگها و مادر بزرگها ، شاید بنظر غیر طبیعی بآید. اسمر واقعا اینها خودشان

هستند چنانچه در يك سنی از استراحت كامل برخوردار شوند و هرچه را كه میل دارند انجام دهند ؟

بعضی از جوانان اینطور مسئله را توجیه میکنند كه دنیا يك جور نیست، پس چه لزومی دارد كه سعی كنند افكار و پایه نسل متفاوت را بنحوی سازش دهند و توجیه و تشریح كنند . آنان معتقدند كه میشود همه چیز را در دنیا تغییر داد ، ولی چه ضرورت دارد كه پیران را در موقعیت زمان فعلی قرار داد .

همچنین دیده میشود كه بین جوانان هستند كسانكه غالباً برای پدر بزرگ و مادر بزرگشان احساس تگرانی میکنند و وقتی با آنان فكر میکنند تا حدودی ناراحت میشوند ، زیرا بخوبی میدانند كه زندگی مشترك بهیچ وجه امکان ندارد و « خانه پیران » هم از طرفی با اندازه كافی وجود ندارد و از طرفی هم قابل تحمل نیست ( در كسورهای خارج برای پیران خانه های مخصوص وجود دارد ) پس بدنیال راه حل انسانی تری هستند و علاقمندند بتوانند دنیایی بسازند كه همه كس در آن خوشحال زندگی كند . هیپی ها خودشان را دوستانان نوع بشر و غیره خطاب میکنند . طرز لباس پوشیدن و آرایش آنان نوعی اعتراض است بر علیه اجتماع مصرف كننده . وجود این جوانان در بین نسل جوان و مشاخره جو آبار و شگر طغیان داخلی بر علیه نسل قبلی نیست ؟ آیا نمیتواند

بخوبی و به زبانی گویا مترجم افكار آنان باشد ؟ مثل آنكه بوسیله اسبابی كه شیر شیر خوارگان را تنظیم و تدارك میکند ، زندگی افراد را برای اینکه افراطی نباشد بخواهند متناسب و متعادل نگهدارند . با این فرضیه از عشق مادری و عشق بخانواده چه باقی خواهد ماند ؟

بنظر میرسد این قراردادها برای انسانیت خطرست كه عیبش قابل فهم است ولی نمیتواند مورد قبول قرار بگیرد .

جوانان از اجداد خود دفاع میکنند

وقتیكه جوانان در اثر اختلاف با پدر و مادرهایشان جوانمردانه از پدر بزرگها و مادر بزرگها جانبداری میکنند و سعی میکنند كه خوب باشند، زمانیکه در قبال بی تفاوتی و كینه توزی او لیای خود، به قضاوتی جدی نسبت باجداد خود میپردازند، این خود دلیلی است بر آمادگی و برتری آنان و دخالت مهر آمیز ایشان نسبت باجدادشان. جوانان در مشاخرات روزانه پدران و مادران خود ، هر قدر هم ناچیز باشد ، گذشت نشان نمیدهند . این مشاخرات را تولید و ایجاد میکنند، زیرا آنان قادر نیستند كه عقده های احساسی او لیای خود را در یابند. آنان معتقدند كه گذشته بهیچ وجه نباید و نمیتواند در زمان حال دخالت كند ، بلكه غالباً

آن مشاخرات و زرد و خوردده ( كه بطور واضح خارج ا قدرت انسانی است ) فراموش میشود و چه بسا كه موضوع فراموش شده بخشیده شود بهیچ وجه نمیتوان از سرزنش و ملامتهائیکه ایجاد می شود ممانعت كرد .

هیچ كس با تكایندن درخ نارییل موافق نیست . برا كهن سالان در بعضی خانواده شرایط زندگی آنقدر سخت سنگین می شود كه بنفنا و نابود آنان كمك میکند و گاهی هم نوعی آدم كشی دسته جمعی شب است و بعضی جاهم عقیده دار كه نباید با كهنسالان وقت تلفا كرد . پس از گذشت سالها متممادی عمر باید گذاشت تا طبیعت كار خودش را انجام دهد ، فقط ممكن است كه اندازه ممكن رنج آنان را تخفیف داد . شاید هم قصوری از جانب آنان نباشد . ممكن است نحوه زندگی از نظر سن محدودیتی ایجاد كند ، حدی برای عا قائل گردد و در صورت مقاوه از بعضی دخالت ها خوددار شود . این گرفتاریها و ناه آهنگی ها بهمان اندازه دردنا است كه میل بزندگی و ادا هستی معمولاً با گذشت ساله عمر روه افزایش میگذارد . در گذشته از ارث و میرا كهنسالان و اجداد بسیار صرا میشد ، ولی امروزه بیشتر با موضوع توجه دارند كه ارث های مالی قابل انتقال نیستند باید با اندازه دارائی خرج ك

بدون آنکه بفکر بعد از آن  
و د .

یا همبستگی بین دونسل ممکن  
نت

یکی از مسائلی که باعث  
آرامی جوانان در ماه ۱۹۶۸  
رپایس مخصوصاً بین دانشجویان  
ردید این مسئله بود که زبان  
وانان و نوجوانان با زبان  
ایرطبقات اجتماع فرق دارد.  
وان با سایر طبقات هماهنگی  
ارد ، و خود را بکلی از  
بتماع دور و مجزا یافته است.  
ین سبب در آن هنگام توجهش  
سوی کارگران معطوف گردید،  
و اینکه این ارتباط هم به نتیجه  
للوب و مثبت نرسید .

مشاهده گردید که رشته های  
بباطی بین نسل ها از جمله  
اجبات و مورد احتیاج مبرم  
بتماع میباشد ، بطوریکه از  
تاریخ تا بحال تحقیقات متعدد  
بارۀ مکالمه بین نسل ها بصورت  
تنه جمعی از طرف یونسکو  
جام میشود ، همچنین برنامه  
لیمات دائمی که شامل جوانان  
زرغسالان در هر سن و سال که  
سند ایجاد گردیده است .

سابقاً و قتیکه اجتماعاتی برای  
ب اطلاع و آگاهی ترتیب  
دادند سعی میکردند که نسلها  
همیشه از یکدیگر تفکیک  
بند . ولی فعلاً سعی میشود  
برعکس در اغلب اجتماعات  
خاص مختلف را با سنین  
اوت گرد آورند و تنها  
وانان و کهن سالان اکتفا

تکرده بلکه اشخاص میانه سال  
را هم شرکت بدهند زیرا معتقدند  
که هر کس میتواند فکر تازه ای  
ارائه نماید همو اینکه راجع به  
گفته ها و اعتقادات وی احتیاج  
به بحث و مطالعه باشد .

مهندس جوانی نقشه شهری  
را که مایل است در آینده بسازد  
به تلویزیون و اگذار کرده و  
در مرکز این شهر رؤیائی میدانی  
برای اجتماعات در نظر گرفته  
است .

پس پدران و مادران بزرگ  
امروزی بشرطی که اعمال و  
رفتارشان اجازه دهد که مانند  
عضوی از عناصر اجتماع بشمار  
آیند ، نه مانع و رادع قدرتی  
که همه چیز بایستی در مقابل  
آنان محو و نابود شود ، در  
آن صورت کاملاً پذیرفتنی و قابل  
قبولند . فرمانبرداری و تمکین  
بآداب و رسوم نیز ارزشهایی  
هستند برابر با ارزش های دیگر  
و آنان انتظار ندارند که از این  
ارزشها سوء استفاده شود .

این چنین رفتار بطور تحقیق  
جوانان را نسبت بآنان به ادب  
و احترام و اदार میسازد .

با وجود پدران و مادران  
نقش پدر بزرگها و مادر بزرگها  
هم محدودتر میشود و هم  
ارزشمندتر . ارتباط بانسل گذشته  
وریشه گرفتن در زمان حال یکی  
از انعکاسات وجود آنان است که  
اثرات عمیق و بی انتهای میتواند  
از نظر احتیاجات فردی در  
استحکام فکری و امنیت و رشد  
روحی جوانان و نوجوانان  
وجود آورد .

